

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

اکبر تک دهقان

۴ دی [قوس] ۱۳۸۸ - ۲۵ دسامبر ۲۰۰۹

سیرجان: خیزش توده‌ئی علیه وحشیگری خیابانی!

حوادث سیرجان سندی است بر اینکه: رشد مداوم جنبشهای اعتراضی در ایران، لاجرم به بروز قیامهای مسلحانه توده‌ئی، منجر خواهد گشت.

روز ۱ دی ماه ۱۳۸۸ در سیرجان، صحنه‌ای به نمایش گذاشته شد، که سران ماشین آدمکشی اسلامی، باید آن را خوب به خاطر سپرده، پیام آن را درک کنند: مردم ایران برای اولین بار در طول ۳۱ سال بربرمنشی رژیم اسلامی، به اجرای حکم اعدام و به ویژه در ملاء عام اعتراض کرده، طناب و تخت و چوبه دار را به آتش کشیده، حتی زندانیان را فراری دادند. این در کشوری است، که لیبرالهای دارای مدارج آکادمیک آن، طی ۸ سال حکومت خود و تا به امروز، هرگز اعدامهای وحشیانه، آنهم در ملاء عام را، حتی یکبار محکوم نکرده اند. کلیه جناحهای ملی و ملی-اسلامی و لیبرالها در داخل، طی ۳۰ سال، به ویژه در دهه ۶۰، به چنین شیوه ضد حقوق اولیه انسانی رفتار کرده اند.

دو زندانی اجتماعی به نامهای "اسماعیل فتحی زاده" و "محمد اسفندیارپور"، در تاریخی نامعلوم و به دلایلی کلی، از سوی جنایتکاری تحت عنوان "قاضی شرع" در سیرجان، به اعدام محکوم شده اند. اینکه دقیقاً جرائم نامبردگان چیست، چگونه و طی چه مرحله‌ای از دادرسی، به چنین سرنوشت تلخی دچار شده اند، اصلاً روشن نیست. دستگاه بیدادگری ولی فقیه هیتلری، تنها از سرقت مسلحانه، سخن به میان آورده است. صدور حکم اعدام برای سرقت، خود، نمایش بی عدالتی محض است. سارقین احتمالی جز قصد سرقت و یا انجام آن، خطایی نکرده اند، به همین دلیل اما، به اعدام محکوم شده اند. در همان حال اما روشن است، که هر دو فرد، در شرایط سلطه این رژیم تبهکار به دنیا آمده، در سایه حکومت و اسلام لعنتی آن، برای تأمین هزینه‌های زندگی روزمره خود احتمالاً از طریق سرقت، کشیده شده اند.

مأموران جنایتکار حرفه‌ئی رژیم، که بدون آدمکشی و لذت بردن از آن، روزشان به شب نمیرسد، در کمال قساوت، لوازم قتل دو شهروند نامبرده را آماده میسازند. این در ساعات اولیه روز سه شنبه ۱ دی در مرکز شهر روی میدهد. بر طبق تبلیغات قبلی سرسپردگان ولی فقیه، هزاران نفر و هر کسی به قصدی، به سمت محل "جشن

آدمکشی" سرازیر میگردند. در لحظات شروع این نمایش ضدانسانی، حادثه ای رخ میدهد، که مأمورین درنده خوی اسلامی فکر آن را نکرده اند.

دو زندانی که یکی طناب به گردن، و دیگری در حال دست تکان دادن ایستاده اند، به یک باره شاهد صحنه هجوم مردم، به ویژه دوستان و بستگان خود به قسمت تخت اعدام میگردند. از همه طرف سنگ باران مزدوران رژیم، آغاز میشود. در همه فریاد و شلیک تیر، باطوم کشی و آتش زدن خودروهای عناصر رژیم، هر دو زندانی، زنده توسط مردم آزاد شده، به همراه آنان صحنه اعدام را ترک میکنند.

مأموران رژیم بلافاصله دست به جستجوی گسترده زده، همه راههای ورودی و خروجی شهر سیرجان را در اختیار میگیرند. عاقبت بعد از چندین ساعت، هر دو زندانی و گروهی از بستگان آنها، در روستایی در نزدیکی شهر بازداشت میشوند. جانین ولی فقیه که سرمست از دستگیری آنها، خود را در موضع قدرت احساس میکنند، بعد از ظهر همان روز، بساط توحش خود را دوباره در همان محل پهن کرده، متهمین را به محل سابق میکشانند. به ویژه اینکه تبهکاران شاغل در باندی تروریستی تحت عنوان: " شورای تأمین شهرستان سیرجان"، با شدت بر اجرای حکم اعدام در همان روز و همان محل، اصرار دارند.

بیش از ۵ هزار نفر از مردم شهر، اینبار با هدف مقابله جدی تر با جانین، به سوی محل اعدام زندانیان سرازیر میگردند. بلافاصله با انتقال زندانیان به محل، سنگ پرانی، شعار و ناسزاگویی از سوی جمعیت آغاز میشود. مردم از همه طرف به محل تخت اعدام هجوم می آورند. مأموران به طور کور و وحشیانه ای، دست به شلیک مستقیم به سوی مردم میزنند. چندین خودروی عوامل رژیم و تخت اعدام به آتش کشیده میشوند. میر غضبان رژیم، به ناچار هر دو زندانی را به زندان، انتقال میدهند. در تیراندازی وحشیانه مأموران، ۴ نفر از مردم شجاع و آزاده شهر جان باخته، بیش از ۳۰ نفر از آنان زخمی میشوند، که به گفته پزشکان، برای ۷ نفر راه نجاتی نیست. حتی تعدادی از مجروح شدگان، به بیمارستانهای شهر کرمان اعزام میگردند. طبق خبرهای بعدی، دو زندانی احتمالاً سارق مسلح، در داخل زندان به دار آویخته شده اند.

حادثه سیرجان نه فقط نمایش قدرت اعتراض مردم، بلکه بسیار بیش از آن، نمایش کیفیت سیاسی شرایط کنونی جامعه ایران است. همه آنها که شب و روز، مشغول ترساندن مردم از توسل به عمل انقلابی هستند، چنین حادثه ای باید حکم تلنگری برای آنها داشته، بخود آیند. مردمی که بیش از ۳۰ سال تحت توحش این رژیم جنایتکار، به معنی واقعی کلمه، شکنجه شده اند، عقل شان را به دست دارودسته " اکثریت" و سلطنت طلبان نخواهند داد. توده مردم مستقل، با قدرت، این رژیم جانی را به زیر کشیده، یک به یک از همه آنها، حتی اگر سر به چندین صدهزار بزنند، حساب پس کشیده، نقشه "مدل اسپانیا" ی دشمنان مردم را، نقش بر آب خواهند کرد.

دسته جات ارتجاعی در کشور، تحت هر عنوانی، هدف تحقق مدل اسپانیا و آمریکای جنوبی، بیش از همه، شیلی و آرژانتین را در سر دارند. طبق این تئوری مسخره، گویا در ایران هم، از طریق اعتراضات کنترل شده، سازشهایی در بالا صورت گرفته، دولتی اسلامی- دموکراتیک، متشکل از همان بنیانگذاران رژیم اسلامی بر سر کار می آید. این دولت هم، متوسل به سیاست " آشتی ملی" شده، دست شکنجه گر و شکنجه شده را به هم رسانده، قاتل را با مادر داغدار ۵ فرزند کنار هم مینشانند، و مردم هم به خانه های خود میروند. عیب این نقشه به شدت ارتجاعی و قبل از همه ضدکمونیست، در لاپوشانی شرایط تأسیس حکومت فاشیستی اسلامی، و ۳۰ سال نابودی و جنایت از سوی آن است. عیب این نقشه در آنجاست، که پنهان میکند، که گروهی تاجر و دلال بازار سیزه میدان و آخند خلف شیخ فضل الله نوری، طبق طرح توطئه گرانه ملیگراهای دروغین و ملی- اسلامی ها- که به تأیید قدرتهای

امپریالیستی نیز رسانده شده بود- بر سر کار آمده، در کشور به معنی واقعی کلمه حمام خون به راه انداخته، بردگی محض را به مردم تحمیل کردند. آنها جامعه، اقتصاد و فرهنگ و ابتدائی ترین ارزشهای رایج در مناسبات انسانی را، نابود کردند.

رویداد سیرجان، اولین جرقه از آتشی است، که از این پس در هر موقعیت تصادفی، شعله خواهد کشید. به علل گوناگون، سرنوشت تحولات سیاسی در ایران کنونی، نه از طریق یک قیام مسلحانه نسبتاً سهل و ساده در تهران، بلکه از طریق یک رشته از قیامها و خیزشهای متعدد در شهرستانها، رقم خواهد خورد. همگان و قبل از همه دوستان مردم، باید پیام خیزش سیرجان را درک کرده، در محاسبات آتی خود، به آن مراجعه کنند.
